

شماره ۸
دوشنبه ۸ آبان ۱۳۹۶



کلمات

نشریه‌ی مستندهای تلویزیونی

نگاهی به فیلم مستند
«بذرهای نابودی»



الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ
عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ
وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا

سپاس خداوندی را
که بر بنده خود این،
کتاب را نازل کرد و
هیچ کجی و انحراف
در آن ننهاد.

قرآن کریم، سوره کهف
آیه نخست



نویسندگان:

رحیم ناظریان | مهدی اسدزاده | سهیل محمودی

همکاران:

مطهره کشاورز | اکرم سادات فاطمی | مهدی مجد | زکریا زرگانی
یاسر صدرنژاد | محمد حسین شفیق

عکاس:

سهراب خانزاده

مدیر هنری:

علیرضا پخشی

با سپاس از دبیرخانه‌ی جشنواره مستند
و کارکنان محترم خانه مستند انقلاب اسلامی

نشانی:

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از پارک ساعی، جنب بیمارستان
مهرگان بن بست مهرگان، پلاک ۳
تلفن: ۸۸۷۸۳۶۴۵-۸۸۷۸۳۶۴۵، کد پستی: ۱۵۱۶۷۳۵۶۱۴
خواننده‌ی گرامی، تمام شماره‌های نشریه‌ی کمان را می‌توانید از
سایت زیر دریافت کنید
www.khanemostanad.ir

خانه مستند
انقلاب اسلامی





محمد هادی اینانلو | کارگردان

نویسنده: مهدی اسدزاده

مستند همیشه یک گونه‌ی هنری صرف نیست. همه مستندسازها مستند رو صرفاً به عنوان یک قاب برای ثبت هنرمندانه‌ی یک واقعیت نمی‌بینن. برای خیلی از کارگردان‌ها، فیلم مستند ابزار مبارزه‌ی فرهنگیّه. برای اون‌ها مستند، یه چراغه که سعی دارن باهاش رو تاریکی‌ها نور بندازن. می‌خوان بیننده‌هاشون رو به جایی برسونن که بلند شن. می‌خوان تا اونجا که میشه دنیا رو تغییر بدن.

محمد هادی اینانلو نمونه‌ی کامل این جور مستندسازهاست. هر جا که فکر می‌کرده تغییریه واقعیت به نفع هموطن‌هاشه، هربار یه واقعیت نگران‌ش می‌کرده، دوربینش رو روشن کرده و اون واقعیت رو نقد کرده؛ یه زمان، طرح تحول سلامت؛

یه زمان، توافق هسته‌ای؛

حالا هم ...

یعنی آدم‌هایی مثل اون موفق میشن دنیای ناخوش پیرامونشون رو

عوض کنن؟

باید ببینیم!



خوردنی‌های نابودگر

محمدهادی اینانلو، کارگردان مستند «بذرهای نابودی» در گفت و گو با روابط عمومی جشنواره تلویزیونی مستند از تولید این اثر با موضوع محصولات کشاورزی تراریخته خبر داد.

به گزارش روابط عمومی جشنواره تلویزیونی مستند، محمدهادی اینانلو درباره مستند «بذرهای نابودی» گفت: من کارم قبلاً تولید مستندهای کوتاه بود که به صورت میان برنامه در برنامه تلویزیونی ثریا پخش می شد. مستند «بذرهای نابودی» هم در اصل، متشکل از چند مستند کوتاه است که به هم متصل شده‌اند و موضوعات را به صورت مجزا بررسی کرده‌اند و به یک نتیجه رسیده‌اند.



محمدهادی اینانلو

نویسنده:

سهیل محمودی



اینالو در مورد محصولات کشاورزی تراریخته گفت: محصولات تراریخته را می‌شود از سه جنبه بررسی کرد:

اول بخش سلامت فردی و تأثیری که تراریخته بر روی سلامتی انسان دارد که البته این محصولات هنوز بر روی انسان، آزمایش بالینی نشده است. محصولات کشاورزی، تحت تأثیر سه عامل خارجی با مشکل رشد مواجه می‌شوند که شامل علف‌های هرز، آفات و آب و هواست. برای این که اثر این سه عامل در رشد محصولات کشاورزی از بین برده شود، محصول کشاورزی دست‌کاری ژنتیکی می‌شوند. مثلاً یک ژنی از یک باکتری خارج و وارد گیاه می‌شود تا آن گیاه در مقابل آفت‌ها مقاوم شود. خب این ژن در گیاه، سمی تولید می‌کند که آفت‌ها را از بین می‌برد؛ در این حالت این گیاه درست مثل یک کارخانه، مدام در حال تولید سم است که این هم برای طبیعت آسیب‌زا است و هم برای انسان. مدافعان این روش

کشاورزی مدعی هستند که این سم‌ها در محیط اسیدی معده از بین می‌روند، ولی آسیب‌های این محصولات از لب و دهان شروع می‌شود و تا به معده برسد ادامه دارد.

اینالو اضافه کرد: بحث دوم، بحث اقتصاد و تجارت است که ما در مستند، کشور هند را مثال می‌زنیم که کشت پنبه به صورت وسیع در آن صورت می‌گیرد. در طی چند سال با کشت پنبه‌ی تراریخته، ضررهای بسیاری به کشاورزان هندی وارد شد که در مستند خواهید دید. در نهایت این مسئله بررسی می‌شود که چرا سازمان‌های بین‌المللی از این محصولات حمایت می‌کنند؟!

مستند «بذرهای نابودی» به تهیه‌کنندگی هادی سلیمی‌زاده و کارگردانی محمد هادی اینالو تولید شده است و با پذیرفته شدن در سومین فصل جشنواره تلویزیونی مستند در تاریخ هشتم آبان، ساعت ۲۰ در قالب برنامه تلویزیونی جشن‌واره مستند روی آنتن شبکه مستند رفته است.



پوستر فیلم مستند
«بذرهای نابودی»



چیزی که ما می بینیم آسیبی است که در نتیجه استفاده
از محصولات تراریخته ایجاد شده است

انتقادی شبه سیاسی بر کشاورزی!

نقدی بر فیلم «بذرهای نابودی» ساخته محمد هادی اینانلو
نویسنده: رحیم ناظریان

«شعر» مطالعه کرد، اما تنها ادعا و کاربرد این عنوان برای شعر بودن کافی نیست. منتقدین در تحلیل و نقد یک شعر ممکن است در پایان کنکاش هایشان تازه برسند به ابتدایی ترین سوال ممکن، و این که آیا آن اثر نمونه، به شعر رسیده است یا نه؟ مخاطب، تحلیل گر، منتقد، پس از بررسی شاید در شاعرانگی آن اثر دچار تردید شوند که این رویکرد در سینما نیز صدق می کند. به راستی آیا

«سینمای مستند»! در این عبارت، کلمه مستند در کنار کلمه سینما اعتبار می یابد و این واژه ی سینماست که به تصویر، ارزش هنری می دهد. کما این که کلمه مستند می تواند به هر چیزی اطلاق شود ولی سینما نباشد.

مدیوم «شعر»، قالب ها و انواع مختلف دارد و می توان در این گونه ی ادبی، اثری کلاسیک یا سپید یا نیمایی را تحت عنوان

همه‌ی فیلم‌ها ارزش اطلاق عنوان سینما را دارند؟ متنی که داستانی روایت می‌کند الزامانی تواند لقب داستان بگیرد. مهم، زبان آن مدیوم است و بیانی که مولف به آن اشراف دارد.

در سینمای مستند، چالش بسیار ظریفی وجود دارد که کار تفکیک اصل از فرع را مشکل می‌کند. مستند بودن، سینما بودن، هنر بودن، هر کدام بحثی عمیق درباره سینماست. نظریه‌ی فیلم در گذر زمان از یک سو می‌تواند هراثر تصویری را با ادله، تحت عنوان فیلم معرفی کند و از سوی دیگر همین نظریه فیلم می‌تواند همان اثر را از حیطه فیلمیک، خارج و واقعی برای اطلاق کلمه «سینما» به آن نهد.

«فیلم به عنوان هنر» چالشی سخت برای این نام‌گذاری است و سینمای مستند، چالشی سخت تراز گونه‌های دیگر است چرا که معیارهای فیلمیک در این گونه، به شدت قوانین معیار را زیر پا می‌گذارد و قوانین منحصر به خود را می‌سازد. با این حال، تفاوت و درک دو گونه مستند یعنی سینمای مستند و مستند تلویزیونی را نیز نباید از

خاطر برد. برخی از مستندها خاصه با عنوان تلویزیون قرابت دارند و معیارهای مختص به خود را می‌سازند. گرچه یادمان نرود در همه حال «سینما سینماست».

نمی‌توان معیاری دقیق و حتمی برای مستند تلویزیونی ترسیم کرد اما در تاریخ فیلم، مستندهایی که با سیاست‌های کلی تلویزیون و نیازهای آن تولید شدند، ناخواسته به ایجاد روشی منحصر به خود دست یافتند. مستندهایی با شکل‌های ساده و البته اطلاعات محور. مستندهایی که غالباً با کمترین ذوق و سلیقه، صرفاً به انتقال ارائه اطلاعات درباره موضوعات مختلف می‌پردازند و البته در جایگاه خود و از برخی جهات دارای ارزش هستند.

مستند «بذرهای نابودی» مستندی اطلاعات دهنده، تلویزیونی، مصاحبه‌ای، آرشیوی، علمی و... درباره بحرانی خاموش، تحت عنوان کشاورزی تراویخته است و البته مجموع تمام قابلیت‌هایی است که می‌تواند اثری را خالی از وجوه حسی مخصوص به سینما کند. نه این که در تاریخ سینمای مستند،



مستند «بذرهای نابودی» مستندی اطلاعات دهنده، تلویزیونی، مصاحبه‌ای، آرشیوی، علمی و... درباره بحرانی خاموش، تحت عنوان کشاورزی تراویخته است.



عدم کنکاش در تئوری، فقدان آگاهی از هنرمردن و جریان‌های هنری می‌تواند مخاطب را دچار توهم دریافت هنر ساده در فرمت ساده‌انگارانه نماید، کما این‌که بی‌پیرایگی هنری به عمد ساده شده، تنها پس از خلق است که ساده می‌نماید و فرآیند تولید آن ممکن است پیچیدگی‌های خاص خود را داشته باشد.

حال باید دید «بذرهای نابودی» از کدام سادگی بهره می‌برد؟ سادگی که حاصل یک تفکر انتزاعی است و یا ساده‌انگاری که حاصل برخورد

فیلم‌هایی قابل توجه با استفاده از همه موارد یاد شده، وجود نداشته باشد، بلکه این عناصر و قابلیت‌ها در کنار هم به همراه کمی ساده‌انگاری، آرام آرام وجه سینمایی اثر را کمرنگ و وجه خبری، گزارشی و اطلاعاتی آن را برجسته می‌کند. سادگی چیست؟ کلمه‌ای خطرناک در هنر که تعبیر پیچیده و فریبنده‌ای دارد. سادگی در ساحت انتزاعی‌اش یا سادگی که در هنرمینی-مالیستی سراغ داریم با ساده‌انگاری حاصل از عدم وجود خلاقیت، به صورت آشکار تفاوت دارد. عدم مطالعه تاریخ هنر،

غیرهنرمندانه با مضمون است و فقط تکنیک و فن فیلم سازی را پشتوانه‌ای برای رسیدن به بیان هنری قلمداد نموده است؟ تکنیک، فارغ از نگاه خلاقه، اثری هنری را در حد و حدود فن و اجرای یک حرفه باقی نگاه می‌دارد. به عبارتی با این رویکرد اثری تولید می‌شود که به جای صفت هنر، تنها باید به تکنسین بودن عوامل آن اذعان کرد.

«بذرهای نابودی» مستندی پژوهشی است که میدانی عمل نمی‌کند و بیشتر معطوف بر گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و آرشیوی است. به عبارتی فیلم‌ساز با پژوهشی علمی درباره موضوع اثرش - زیان احتمالی یا قطعی در تولیدات کشاورزی تراریخته - و ادغام آن با تصاویر آرشیوی و همچنین مصاحبه از چند کارشناس مربوطه، مستندی گزارشی و اطلاعات‌دهنده و خبری - تحلیلی تولید نموده است. مستندی که تمامی ویژگی‌های مستندی خبری را فارغ از ویژگی‌های سینمایی، یک جا دارد. یکی از ساده‌ترین و شاید عامه‌پسندترین شیوه‌های تولید چنین مستندهایی دعوت از یک کارشناس

برای صحنه گذاشتن بر موضوع مورد پژوهش است. فارغ از این که حضور مصاحبه‌شونده‌ها و نشان دادن تصویر آنها روی روی دوربین در مکانی نورپردازی شده، همان لقب «کله‌های سخنگو» را شایسته مستند می‌نماید، از منظر محتوانیز حس تلقین و تفهیم مضمون را به شکلی جبری به مخاطب منتقل می‌کند. به عبارتی فیلم‌ساز برای اثبات یا تفسیر موضوعی که بدان پرداخته است و برای موجه جلوه دادن حرف و پیام خود از کارشناس دعوت می‌کند و این صرفاً نوعی مشروعیت - بخشی بر ادعای مطرح شده‌ی فیلم‌ساز در اثر است.

مخاطب در مواجهه با چنین آثاری، کاری به شخصیت افراد مصاحبه‌شونده ندارد بلکه حضور این افراد در قالب کارشناس، همچون اشیاء، تنها حول موضوع مستند است و دادن وجاهت بر مسئله تحقیقی فیلم. گرچه نظر آن کارشناس نیز دال بر قبول بی چون و چرای پرسش انتقادی مستند نیست و نمی‌توان وجود چنین مصاحبه‌شونده‌ای را دلیلی بر پذیرش قطعی ادعای فیلم‌ساز دانست.

فیلم با طرح این موضوع شروع می شود: «با وجودی که آمریکایی‌ها بالاترین سرانه درمان در دنیا را دارند، متوسط سن امید به زندگی شان از مردم بسیاری از کشورهای دیگر پایین تر است. علت چیست؟»

یکی از نکات بسیار کلیشه در چنین آثاری که مصاحبه با یک یا چند کارشناس موافق، بخشی از فضای فیلم را پر می کند، استفاده از تصاویر آرشیوی است. «ریچارد کیلبرن» و «جان آیزود» در کتاب «مستند تلویزیونی» بیان می کنند: «در این روش با متخصصان، مصاحبه می شود و اظهاراتشان لابلای گزارش قرار می گیرد که عموماً بین کله های سخنگو، مکان وقوع رخداد و یک یا چند حلقه فیلم آرشیوی و مربوط به موضوع مورد بحث، در رفت و آمد است.» تصاویر آرشیوی به شکل دم دستی و ساده انگارانه در «بذرهای نابودی» استفاده می - شود تا جایی که تاکید بر دخالت و سهم دولت های پیشین امریکا و تصاویر بایگانی شده، حکم تبلیغی و فرمایشی می گیرند.

فیلم با طرح این موضوع شروع می شود: «با وجودی که آمریکایی‌ها بالاترین سرانه درمان در دنیا را دارند، متوسط سن امید به زندگی شان از مردم بسیاری از کشورهای دیگر پایین تر است. علت چیست؟» این پرسش پژوهش مستند «بذرهای نابودی» است.

اما سوال اینجاست حاصل ساختن مستندی در مورد خبط آمریکا در برهم زدن ساختار گیاهان آن هم وقتی خودتان در ایران حضور دارید، چیست؟ وقتی نمی توانید پروژه ای را به شکل میدانی دنبال کنید و تنها با ارجاع بیش از حد به آرشیو، قصد ارائه ادله و سند دارید، چه کسی حرفتان را باور می کند؟

مشخصاً با چنین سوزهای برای تولید اثری مستند، ما باید منتظر تصاویری آرشیوی باشیم که هیچ سویه هنرمندانه ندارد و فقط کارکردی خبری و تبلیغی مد نظر تولیدکنندگان فیلم است. فیلم ساز برای تشریح موضوع، محتاج به تصاویر آرشیوی است. با این زمینه، فیلم نهایتاً یک مقاله تصویری از آب در خواهد آمد که می خواهد زیر و بم یک ماجرای علمی را شرح دهد و دقایقی از مستند پیش نمی رود که کارشناسانی آن هم ایرانی - بدون هیچ زحمتی روبروی دوربین می نشینند و شروع می کنند به حرف زدن درباره موضوع. سوال این است اگر مستند در مورد دستکاری ژنتیکی گیاهان در ایران بود چه چیزی کم داشت؟ چه احتیاجی به امریکا بود که در مقدمه

فیلم به آن اشاره شود؟ مگر نه این که در حال حاضر در خود ایران انواع گیاهان و محصولات کشاورزی را بدون حساب و کتاب به صورت تراریخته تولید می کنند؟ کدام یک واجب تر است، تشریح خبط امریکایی ها که چهل سال پیش این دستکاری را ابداع کردند یا بحرانی که هم اکنون ما را نیز تهدید می کند و نسبت به آن بی تفاوتیم؟ در «بذرهای نابودی» به هند و فرانسه و آمریکا اشاره شد اما حتی یک پلان هم به زمین و کشاورز ایرانی اختصاص داده نشد. ضمناً آیا فقط این گونه به شکل خبری و مصاحبه ای باید مستند علمی و تلویزیونی ساخت؟ یک مجله کاغذی علمی را در نظر بگیرید. پر از مطلب علمی و عکس های مرتبط با موضوعش! در «بذرهای نابودی» نیز هیچ تفاوتی جز تبدیل شدن عکس های مجله به تصاویری متحرک نمی بینید. همان کارکرد خبری و گزارشی مجله کاغذی، اینجا در تصویر اعمال می شود.

«شاید حدود ۴۰ سال پیش بود که اولین گونه های محصولات دستکاری شده ژنتیکی در آمریکا کشت و برداشت شدند ولی آیا تاکنون تأثیر این محصولات

در فیزیولوژی انسان مورد آزمایش قرار گرفته است؟» اولاً حتی در مقاله ای علمی و نوشتاری که موضوعی این چنین را بررسی می کند، اگر پژوهشگر منابع دست چندم و تکراری باشد، به هیچ عنوان به صحت آن نمی توان اطمینان داشت و مقاله از حیث ارزش علمی بی اعتبار می شود. اینجا نیز به دلیل آرشویی بودن و درک این موضوع که پژوهشگر با منابع دست اول و اورژینال به سراغ جواب پرسش پژوهش نمی رود، نمی توان به نتایجش اعتماد کرد. دوماً مستند ساز با اطمینان می گوید: «آیا تاکنون تأثیر این محصولات در فیزیولوژی انسان مورد آزمایش قرار گرفته است؟» منابع دست چندم مستند ساز در تولید این فیلم، ناخودآگاه این سوال را در ذهن ما ایجاد می کند که فیلم ساز وقتی از تصاویر آرشویی برای اثبات ادعایش بهره می برد، چگونه از جدیدترین پژوهش های امروز آمریکا درباره تأثیر محصولات تراریخته بر فیزیولوژی انسان باخبر است؟ مشخصاً فیلم ساز اطلاعاتی دست اول از ماجرا، آن هم در آمریکا ندارد وقتی فقط مستندش را در اتاق تدوینی در ایران

تولید می‌کند.

است، با استدلالی شخصی، موضوع کشاورزی تراریخته و مهندسی ژنتیک و دستکاری در ژن‌های محصولات کشاورزی را امری سیاسی قلمداد می‌کند و ادعا دارد تمام مشکلات آفریقا در قبال قحطی محصول، تفکری غربی است. موضوع مستند از دی‌ان‌ای محصولات تراریخته، به موضوعی سیاسی تبدیل می‌شود. این کارشناس، تولید محصولات تراریخته در آمریکا را منحصر امری می‌داند که دولت این کشور برای مصرف در ایالاتی در نظر گرفته که سیاه پوست هستند و منظور این کارشناس این است که در یک فرآیند حساب شده، این محصولات به خورد رنگین پوستان داده می‌شود تا آنها آسیب ببینند. این نگاه کارشناسی، فارغ از درست یا غلط بودن در این مستند، فیلم را تا گرداب سفارشی‌بودن پیش می‌برد و نهایتاً می‌توان گفت فیلم هیچ ارتباطی با موضوع محصولات کشاورزی که با دستکاری ژنتیکی تولید می‌شود ندارد، بلکه درباره‌ی آمریکا و جنایات عجیب و غریبی است که حالا در لوای خورد و خوراک، مردم جهان را تهدید می‌کند.

«بذرهای نابودی» اطلاعاتی ویکی‌پدیایی دارد. حتی منابع آرشیوی نیز در پایان فیلم ذکر نمی‌شود. کسب اطلاعات درباره آسیب‌های کشاورزی تراریخته وقتی در اینترنت به راحتی میسر است، تولید مستندی در قالب فیلمی با اطلاعات اندک، چه حاصلی دارد؟ مستندهایی از این دست، تأثیر آن‌چنانی ندارند و از آن جهت که سویه‌ای علمی دارند، اما علمی با موضوع برخورد نمی‌کنند، به آسانی فراموش می‌شوند.

فیلم با موضوع آمریکا و شروع علم دست‌کاری ژنتیکی در گیاهان در این کشور، شروع می‌شود و در نهایت امر، نیز چنین نگاه منتقدانه‌ای به آمریکا در قبال محصولات تراریخته این خواهد بود که پایان‌بندی فیلم نیز فرمایشی و ساده انگارانه باشد. این گونه است که فیلم نه تنها از نظر تولید اثری سینمایی، دچار ساده‌انگاری می‌شود از نظر مضمون نیز با چالش مواجه می‌گردد. در سکانس پایانی، یکی از کارشناسان که برخلاف کارشناسان قبلی، متخصص ژنتیک نیست و یک کارشناس اقتصاد سیاسی

جشنواره تلویزیونی مستند

Documentaries

The First TV Festival of The
Mostanad TV Holds

روایت حقیقت در قلاب واقعیت
شبکه مستند برگزار می کند

فصل سوم نخستین جشنواره مستند

روزهای زوج | ساعت ۲۰:۰۰ از شبکه مستند

بازپخش ساعت ۲۴:۰۰

کد فیلم «بذرهای نابودی» برای شرکت
در مسابقه پیامکی: B1



جشنواره مستند

شما می توانید بعد از تماشای هر قسمت امتیاز خود را از یک تا پنج ستاره از طریق سامانه پیامکی ۳۰۰۰۰۸۱ با زدن کد فیلم به همراه عدد ستاره مورد نظر ارسال نمایید. ضمناً می توانید از طریق کانال اطلاع رسانی جشنواره به آدرس [@festmostanad](https://www.festmostanad.ir) و یا وبسایت جشنواره به آدرس www.festmostanad.ir در این نظرسنجی شرکت کنید.